

گوش گیلکی فومنات

ایوب رسایی *

چکیده

در این نوشتار مهم‌ترین یافته‌های یک پژوهش میدانی به اختصار معرفی می‌شود. این پژوهش درباره‌ی زبان گیلکی بر پایه‌ی گونه‌ی رایج در منطقه‌ی فومنات است و در آن یافته‌هایی بدست آمده است که افزون بر دانسته‌های گوش شناسی ماست. بی‌تردید معرفی تازه‌ها با ذکر شواهد و مستندات مربوط قابل پذیرش است. با توجه به گستردگی شواهد، در صورت ذکر، به یقین این نوشتار از حد در خواهد گذشت. از این روی به ذکر خلاصه‌ای از پژوهش و یافته‌های آن بسنده می‌شود^۱.

کلید واژه‌ها: گیلکی، ادبیات پژوهش، گروه زبانی، واج شناسی، صرف و نحو

* دانش‌آموخته‌ی دکتری زبان شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبایی.

۱- به منظور پرهیز از سخن آگنی، شواهد و مستندات هر یافته به بخش مربوط در متن اصلی ارجاع داده می‌شود. متن اصلی پژوهش که رساله‌ی دکتری نگارنده در زبان شناسی همگانی است با عنوان « گوش گیلکی فومنات » هم اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی و همچنین در مرکز اسناد و پایان نامه‌های دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی آن دانشگاه موجود می‌باشد.

مقدمه

در کشور ما ایران، زبان های غیر رسمی در کوران جریان وحدت زبان یکی پس از دیگری در حال ذوب شدن در زبان معیار و رسمی کشور هستند. زبان های غیر رسمی بر اساس معیارهای زبان شناسی نسبت به هم و نسبت به زبان رسمی کشور در درجات مختلف سلسله مراتب قرار نمی گیرند، اما پیوسته با بی مهری جامعه ی ادبی و زبان شناسی روبرو می شوند. از این روی کنکاش در ساختار و پیشینه ی این زبان ها و بازکاوی زوایای تاریک آنها آنگونه که پاسخگوی نیازهای روز زبان شناسی باشد امری ضرور است. این نیاز در گیلگی با حدود سه میلیون گویشور نمود بیشتری می یابد. شهرها و روستاهای کوچک غرب گیلان یکی پس از دیگری در مقابل سیل هجوم مهاجرین ترک زبان تسلیم زبان ترکی می شوند. در شهرهای بزرگ گرایش به زبان فارسی شتاب بیشتری گرفته است به گونه ای که در خانه و مدرسه کودکان و نوجوانان از سخن گفتن به گیلگی منع می گردند. از این روی در جمع آوری و ثبت این زبان باید اهتمام بیشتری به کار بست و اگر این فرصت از دست رود دیگر مجال چنین پژوهشی پیش نخواهد آمد.

نگارنده با توجه به سیر طبیعی تحول زبان ها و شرایط خاص زبان گیلگی، خود را که گویشور بومی منطقه نیز هست ملزم به انجام پژوهشی در باره ی زبان گیلگی بر پایه ی گوش رایج در منطقه ی فومنات شامل؛ شهرهای فومن، صومعه سرا و شفت دانسته است. داده های زبانی مورد نیاز این پژوهش از گفتار طبیعی گویشوران بومی، بالای پنجاه سال و بی سواد منطقه ی فومنات فراهم آمده است. نگارنده با ضبط ۵۰ ساعت گفتار طبیعی از گویشوران واقعی و بازخوانی آثار پیشینیان سعی کرده است توصیف جامعی از گیلگی رایج در این منطقه آنگونه که هست و به کار می رود به دست دهد.

روش شناسی به کار رفته در این رساله ترکیبی از الگوی نام آشنای کامری و اسمیت^۱ (۱۹۷۷) و اندیشه‌های شخص نگارنده است.

آنچه در زیر می‌آید خلاصه نویسی و جمع یافته‌های این پژوهش است که در پنج بخش با تفکیک به فصل‌های مربوط ارایه می‌شود.

بازخوانی ادبیات پژوهش

در این بازخوانی، منابع موجود به گیلکی یا در باره‌ی گیلکی در دو دسته‌ی آثار اندیشمندان ایرانی و آثار اندیشمندان غیر ایرانی به تفکیک معرفی می‌شوند. در این معرفی که بیش از یکصد کتاب، مقاله، نوار صوتی و پایگاه رایانه‌ای را در بر می‌گیرد، مهمترین یافته‌های هر اثر نقد و بررسی می‌شود.

هدف از کاوش در این آثار، برجسته کردن نقاط قوت و همزمان با آن برشمردن کاستی‌هایی است که می‌باید جبران شوند.

از این بازخوانی که با نقد و بررسی تک تک آثار همراه بوده است معلوم شد که کاوش در زبان گیلکی کاستی‌های فراوان دارد. این کاستی‌ها به طور کلی به سه دسته‌ی تقیصه‌ها، اختلاف باورها و نانوشته‌ها به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود:

الف) تقیصه‌ها

در انجام پژوهش‌های علمی به‌ویژه میدانی، رعایت برخی اصول الزامی است. عدم توجه به این امر از صبغه‌ی علمی پژوهش کاسته و راه ورود کاستی‌ها را به آن هموار می‌سازد. در

1- Comrie & Smith

بازخوانی آثار پیشینیان دیده شد که اغلب پژوهش‌گرانی که در باره‌ی گیلگی نوشته‌ای دارند خود را ملزم به رعایت این اصول ندانسته‌اند. مهم‌ترین این اصول که عدم رعایت آنها را در این نوشتار نقیصه دانسته ایم عبارتند از:

- ۱- انجام پژوهش در چارچوبی مدون، علمی و استاندارد؛
- ۲- رعایت اصول اولیه در گردآوری داده‌های زبانی؛
- ۳- تکیه بر دانش زبانی گویشوران واقعی و پرهیز از توصیف‌های تجربی و نظریه‌پردازانه؛
- ۴- توجه به زبان به عنوان یک کل به هم پیوسته.

ب) اختلاف باورها

مقوله‌هایی که در آثار بازخوانی شده، پژوهش‌گران بر سر تبیین آنها در زبان گیلگی اختلاف نظر داشته‌اند در این دسته جای می‌گیرد. مهم‌ترین این مقوله‌ها عبارتند از:

- ۱- نوع و تعداد واژه‌ها و همخوان‌ها؛
- ۲- ساخت زمان حال کامل و آینده؛
- ۳- نشانه‌ی مصدر؛
- ۴- ساخت مجهول؛
- ۵- پیونده‌ی ترکیب وصفی و ترکیب اضافه؛
- ۶- ساختار هجا؛
- ۷- ساختار گروه حرف اضافه‌ای.

پ) نانوشته‌ها

دسته‌ی سوم نارسایی‌ها با نام نانوشته‌ها طبقه‌بندی می‌شوند. این دسته شامل مقوله‌هایی است که مؤلفان آثاری که بازخوانی شد توجهی به آن نداشته‌اند. مهم‌ترین این مقوله‌ها عبارتند از:

- ۱- اصل و منشاء زبان گیلکی؛
- ۲- رده و جایگاه زبان گیلکی در بین سایر زبان‌ها؛
- ۳- جغرافیای پراکندگی زبان گیلکی؛
- ۴- ریشه‌یابی دو واج / ž / و / ← / و واکه‌های مرکب [eə] و [o←]؛
- ۵- توصیف آوایی چون [x^w], [°], [ü] و [ö]؛
- ۶- بررسی کارکرد تکرار همخوانی و اسم فاعل در گیلکی.

از مجموع آنچه بیان شد به این نتیجه می‌رسیم که کاوش در زبان گیلکی ناکافی بوده است و نیاز به بازکاوی مجدد، بر اساس اصول پذیرفته شده علمی دارد. امید است به یاری پژوهش‌های بعدی کاستی‌ها جبران، نقص‌ها برطرف، اختلاف‌ها برطرف و نانوشته‌ها انشاء گردد.

تاریخ زبان گیلکی

سیر تحول زبان گیلکی از دوره‌ی باستان تا به امروز از مباحث شاخص این پژوهش است. در این مبحث با کنکاش در پیشینه‌ی زبان گیلکی و سیر تحول آن در طول تاریخ سعی می‌شود تا حد ممکن به سه پرسش اساسی در باره‌ی این زبان پاسخی شایسته داده شود.

این پرسش ها در باره ی اصل و منشاء زبان گیلکی، رده و جایگاه آن در بین سایر زبان ها و جغرافیای پراکندگی این زبان است.

در باره ی پرسش اول یعنی اصل و منشاء زبان گیلکی باید گفت که هم گروه بودن چند زبان و جای گرفتن آنها در یک گروه زبانی همیشه دلیلی بر دنباله ی هم بودن آنها نیست. در دسته بندی زبان های ایرانی شمال غربی، پارتی میانه زیر مجموعه ی زبان مادی است. قرار گرفتن زبان پارتی میانه در زیر مجموعه ی زبان مادی به این معنا نیست که پارتی دنباله ی زبان مادی باشد. قرار گرفتن زبان های گروه کاسپی از جمله گیلکی در زیر مجموعه ی زبان پارتی و در گروه زبان های ایرانی شمال غربی نیز به این معنا نیست که این زبان ها دنباله ی زبان پارتی و یا مادی باشند.

با توجه به مستندات تاریخی (صص ۸۱-۶۹) دانستیم که مردمان کرانه های جنوبی دریای خزر بازماندگان اقوام باستانی تاپور، آمارد، گل و کادوس هستند که هزاران سال قبل از ورود قوم آریایی به ایران در این منطقه سکونت داشته اند. زبان مردمان این کرانه ها قبل از سرازیر شدن آریایی ها به ایران به استناد یافته های این پژوهش ترکیبی از زبان هند اروپایی های کوچ اول و بومیان منطقه بوده است. از این روی نمی تواند دنباله ی زبان مادی، پارتی و یا سکایی و جز آن باشد، تنها در درازای زمان به سبب هم نشینی با آنها تحت تأثیر و نفوذ شدید این زبان های بالادست قرار گرفته است.

در باره ی پرسش دوم که مربوط به رده و جایگاه گیلکی در بین سایر زبان ها است باید گفت که در این پژوهش رده بندی زبان ها بر اساس دو مؤلفه ی هم نشینی تاریخی و شباهت های ساختاری است. بر اساس این دو مؤلفه زبان گیلکی به همراه زبان های مازندرانی، تالشی و تاتی (جنوبی) با نام زبان های کاسپی در گروه زبان های ایرانی شمال غربی جای می گیرد. این گروه زبانی به مانند هر می است که زبان مادی در رأس آن قرار دارد و در یکی از

پایه‌های زیرین آن زبان‌های کاسپی از جمله گیلکی جای گرفته است. حلقه‌ی اتصال دو سر این هرم، زبان پارسی میانه یا پهلوی اشکانی است. (صص ۹۶-۸۱)

درباره‌ی پراکندگی جغرافیای زبان گیلکی نیز باید گفت که گیلکی زبان اول مردم گیلان در کنار تالشی، تاتی، کردی و ترکی آذری است. گیلکان بیشتر در دو سوی رودخانه‌ی سفیدرود مستقر هستند. در بخش شرقی سفیدرود مردم به گیلکی شرقی و در بخش غربی آن به گیلکی غربی سخن می‌گویند. گیلکی شرقی شامل گویش‌های لاهیجان، رودسر، گالش و تنکابن است و گویش‌های رایج در رشت، رودبار و فومنات از زیر مجموعه‌ی گیلکی غربی به شمار می‌روند. در آستارا که غربی‌ترین شهر گیلان است مردم به زبان ترکی آذری سخن می‌گویند. ساکنان غرب انزلی در کناره‌های مرداب، محله‌های سیاه درویشان، غاز گیشه و نوخاله، بیشتر ترک‌های مهاجر قفقاز هستند که در سال ۱۳۰۰ هجری به این منطقه کوچ کرده‌اند.

کوهپایه‌های شرق سفیدرود منطقه‌ی قومی گالش هاست و کوهپایه‌های واقع در غرب از فومنات تا آستارا منطقه‌ی قومی تالش‌ها را تشکیل می‌دهد که از سمت غرب در مقابل هجوم مهاجران ترک زبان به تدریج در حال عقب‌نشینی است.

اقلیت‌های کرد در غرب، جنوب (اطراف رودبار) و شرق (چمخاله‌ی لنگرود) گیلان ساکن‌اند. این اقلیت‌ها مهاجرانی هستند که در زمان نادرشاه و رضاخان به این نواحی کوچانده شده‌اند. زبان این اقلیت‌ها کردی ولی آمیخته با زبان‌های محلی است.

تاتی، زبان بخشی از مردم رودبار، فاریاب آمارلو و دره‌ی شاهرود است که در گویش‌شناسی به تاتی جنوبی معروف است (صص ۱۰۰-۹۶).

با توجه به دلایل و مستندات که آورده شد، نگارنده رده و جایگاه زبان گیلکی

را به شرح نمودار زیر به دست می‌دهد؛

گروه زبانهای ایرانی غربی



زبان های شمال غربی



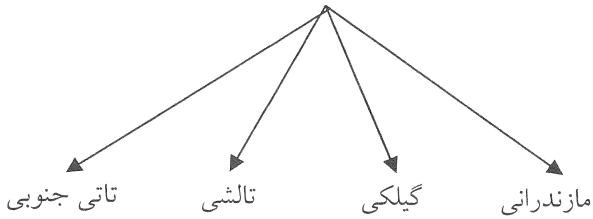
زبان مادی



پارتی میانه



گروه کاسپی



گیلکی غربی

گیلکی شرقی



رشتی

لاهیجانی

فومنات

گالشی

رودباری

رودسری

تنکابنی

واج شناسی

بررسی نظام واجی گیلکی فومنات یکی دیگر از موضوع های مورد بحث این پژوهش است که مطالب آن در چهار بخش کلی «واحدهای واجی»، «واج آرایبی»، «ویژگی های زیرزنجیری» و «فرایندهای واجی نقش آفرین» ارایه می شود.

این مطالب با اندکی تعدیل در چارچوب روش شناسی‌ای تدوین گردیده که در الگوی کامری و اسمیت (۱۹۷۷) آمده است .

در بخش واحدهای واجی و در معرفی واکه ها ی گیلکی دو نکته‌ی تازه بر آنچه دیگران گفته‌اند، فزوده شده است. نکته‌ی اول آنکه؛ دو واکه ی a و ā باستان یا a و â فارسی جدید در گیلکی تمایز خود را از دست داده اند. در این زبان به جای این دو واج تنها از یک واج با مشخصات پسین، نیم باز و گسترده استفاده می شود که در این پژوهش با الهام از الفبای آوانگار جهانی IPA نمایه ی / ← / برای نشان دادن آن پیشنهاد شده است (ص ۱۰۶).

نکته‌ی دوم، معرفی دو واکه ی [ü] و [ö] است. داده های گردآوری شده وقوع این دو واکه را در واژه هایی چون tüm (بذر)، tül (گل آلود)، düm (رخ)، süb (نوعی گیاه)، ešküb (آرنج) و همچنین dö (دوغ)، sö (روشنایی)، söng (جویبار) و tör (دیوانه) تأیید می کند. از شواهد و مستندات هم زمانی نیز دانستیم که واکه های یاد شده در گویش فومنات نقش واجی خود را از دست داده اند و در قالب واجگونه ایفای نقش می کنند. (ص ۱۰۷)

در معرفی همخوان ها علاوه بر آنچه دیگران گفته اند سعی شده است به اختلاف باورها در خصوص هویت واجی / ž / پایان داده شود. از مستندات در زمانی و هم زمانی به این نتیجه رسیدیم که واج / ž / از واج های همخوانی گیلکی است (ص ۱۱۱).

باز کاوی هویت آوای مرکب [x^w] در نظام آوایی گیلکی فومنات و در کلماتی

چون $X^w \leftarrow li$ (گوجه سبز)، $X^w \leftarrow i$ (می خواهی) و $X^w \leftarrow nəm$ (می خوانم) مطلب دیگری است که در بخش واحدهای واجی بدان پرداخته می شود. مستندات در زمانی نشان داد آوای $[X^w]$ از واج های باستانی است که از / SV / هندو اروپایی گرفته شده است. این آوا در فارسی دری تا قرن هفتم نقش واجی داشته است اما پس از آن تبدیل به X می شود. از مستندات هم زمانی نیز دانستیم که هنوز در تعدادی از واژه های گیلگی فونمات آوای مرکب

$[X^w]$ هویت باستانی خود را حفظ کرده است، هر چند که نقش واجی ندارد. (ص ۱۱۴). در بخش عناصر زبر رنجیری، الگوی اصلی آهنگ در گیلگی را پنج الگو دانسته ایم که عبارتند از: افتانِ بم، افتانِ میانه، افتانِ زیر، خیزانِ میانه و خیزانِ زیر. (ص ۱۱۹).

در توصیف تکرار همخوانی که در دستور سنتی تشدید نام دارد نیز گفته شد که این پدیده خاص زبان های سامی و برخی از زبان های شاخه ی هندواروپایی است. نظام آوایی زبان گیلگی تکرار همخوانی را نمی شناسد. واژه های قرصی مشدد تنها پس از حذف این عنصر اجازه ی ورود به چرخه ی واژگان این زبان را به دست می آورند. (ص ۱۲۱).

در بخش فرایندهای واجی نقش آفرین نیز داده ها نشان دادند که حذف همخوان های چاکنایی $[h]$ و $[^{\circ}]$ در جایگاه میانی و پایانی هجا در گیلگی فونمات حرکتی اجباری است. تبدیل واج / s / به / z / در جایگاه پایانی و تبدیل / h / به / x / در جایگاه میانی برخی از واژه ها نیز خاص گیلگی رایج در منطقه ی فونمات است.

به طور کلی در این بخش و در قالب موضوع هایی چون واحدهای واجی، واج آرایی، ویژگی های زبررنجیری و فرایندهای واجی نقش آفرین سعی شده است توصیف جامع و کاملی از نظام واجی گیلگی رایج در منطقه ی فونمات به دست داده شود.

صرف

بررسی انواع مقوله‌های صرفی، شیوه‌های شناخت هر یک در نقش‌های مختلف و به‌طور کلی بررسی نظام واژگانی گویش گیلکی فومنات با نام عمومی «صرف» از دیگر مباحث شاخص این پژوهش است.

این بررسی در قالب دو بخش کلی «صرف تصریفی» و «صرف اشتقاقی» ارایه می‌شود. در بخش اول، مقوله‌هایی چون اسم، ضمیر، فعل، صفت، حرف، عدد و قید معرفی می‌شوند. بخش دوم به بررسی دو فرایند زایای واژه‌سازی در گیلکی یعنی اشتقاق و ترکیب اختصاص دارد. این موضوع‌ها نیز با اندکی تعدیل در چارچوب روش شناسی ای تدوین گردیده که در الگوی کامری و اسمیت (۱۹۷۷) آمده است.

در بخش صرف تصریفی با استناد به داده‌های گردآوری شده از منطقه‌ی فومنات و مستندات در زمانی که نشانی آن در زیر هر یافته آمده است دانستیم که:

الف) پیونده‌ی حالت اضافه در گیلکی /-ə/ است که با پیونده‌ی وصفی یعنی /-ə/ تفاوت دارد، به گونه‌ای که کاربرد هر یک از این دو پیونده موجب تغییر در ساختار و مفهوم عبارت می‌شود.

چشم گاو (ساخت اضافه) $'g \leftarrow v - e \check{c}um$

چشم درشت و برآمده / چشمی به مانند چشم گاو (ساخت) $g \leftarrow v - ə \check{c}um$
(وصفی)

همان‌طور که از پاره‌گفتارهای بالا پیداست علاوه بر تفاوت معنایی، جایگاه تکیه نیز در این دو ساخت متفاوت است.

ویژگی دیگر این دو پیونده آن است که اگر هسته ی گروه اسمی به واکه ختم شود حضوری ناپیدا خواهند داشت (ص ۱۳۴).

h←sən-e x←nə	خانه ی حسن	zərd-ə sə	سگ زرد
←li x←nə	خانه ی علی	si←sək	سگ سیاه

ب) در گیلکی ضمیر شخصی تنها از نوع گسسته است. ضمیر شخصی نوع پیوسته که می تواند به اختیار جایگزین ضمیر گسسته ی ملکی شود در گیلکی وجود ندارد (ص ۱۳۵).
پ) در گیلکی تنها یک نوع ضمیر انعکاسی وجود دارد که ضمیر مشترک هم نامیده می شود. ضمیر مشترک در گیلکی فقط برای سوم شخص مفرد و جمع به کار می رود که در حالت مفرد به صورت / xo / و در حالت جمع به صورت / xuš←n / ظاهر می شود. برای سایر اشخاص از صفت ملکی مؤکد استفاده می شود. ضمن آنکه داده ها نشان می دهند که ضمیر انعکاسی در گیلکی نمی تواند نقش تأکیدی داشته باشد (ص ۱۳۶).

uš←n xuš←n-e k←r← d←nəd-ə.	آنها کار خودشان را بلدند.
mən me k←r← d←nəm.	من کار خودم را بلدم.

ت) نشانه ی مصدر در گیلکی پسوند -ən است. در گویش فونمات اگر ستاک گذشته به واکه ختم شود، به منظور تسهیل در امر فراگویی نشانه ی مصدر به صورت n← ظاهر می شود (ص ۱۳۹).

bišt-ən → bištən	برشته کردن
šo-ən → šo-°ən → šo←n	رفتن

ث) گذشته ی نقلی صورتی از نمود کامل است که در گیلکی فونمات این گونه به دست می آید: نخست پسوند نقلی ساز / ə- / به صیغه های گذشته ی ساده ی فعل مورد نظر

اضافه می‌شود، همزمان تکیه از هجای پایانی به هجای ما قبل آخر تغییر مکان می‌دهد (ص ۱۴۵).

باز کرده‌ام. $v \leftarrow ku'd \leftarrow m \leftarrow \emptyset$ $v \leftarrow ku'd \leftarrow m$ $v \leftarrow ku'd \leftarrow m \leftarrow \emptyset$

ج) گیلکان برای القای مفهوم مجهول از ساخت مضارع اخباری استفاده می‌کنند. در این ساخت فاعل حذف می‌شود و فعل جمله به صورت جمع می‌آید (ص ۱۵۰).

کتاب فروخته شد. (کتاب را فروختند) $kit \leftarrow b \leftarrow bofroxt \leftarrow \emptyset$.

چ) گیلکی برای صفت فاعلی ساختار صرفی ندارد. گیلکان برای بیان مفهومی که صفت فاعلی در فارسی القاء می‌کند یا از واژه‌های قرضی فارسی استفاده می‌کنند و یا زمان حال ساده را بکار می‌برند. برای نمونه جمله‌ی « این تیم برنده می‌شود » را به صورت « این تیم می‌برد » بیان می‌کنند (ص ۱۵۳).

ح) مستندات هم زمانی نشان می‌دهد که گیلکی در اصل زبانی پس اضافه^۱ است. آنچه را که دیگران حروف اضافه‌ی پیشین در گیلکی معرفی کرده‌اند یا بر گرفته از فارسی است مثل « be »

(به) و یا وقوع آنها پیش از اسم توجیه دستوری دارد مثل: / jɛ / (از) (ص ۱۵۴).

در بخش صرف اشتقاقی نیز داده‌ها نشان می‌دهند که تازش واژه‌های فارسی فعالیت فرایندهایی چون ابداع، آمیزش، سرواژه‌سازی، پیشین‌سازی و مانند آن را در گیلکی متوقف ساخته است. با این وجود دو فرآیند اشتقاق و ترکیب در این زبان بسیار فعال هستند. واژه‌های اشتقاقی گیلکی به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند:

الف) واژه‌هایی که در ساخت آنها از وندهای مشترک با فارسی مثل: ←g- استفاده می‌شود.

شالیزار bəj←r + g←: → bəj←rg←:

دانشگاه d←nəš + g←: → d←nəšg←:

(۱) واژه های قرضی فارسی. این نوع واژه در زبان گیلکی از دو ویژگی اساسی برخوردار است:

(۲) در کلام گویشوران عامی به ندرت یافت می‌شود.

ب) قواعد ناظر بر نظام واجی گیلکی بر آن حاکم است (ص ۱۶۷).

pardâzeš → pərd←zəš

zanjire → zənjirə

پ) واژه هایی که خاص زبان گیلکی هستند، یعنی در ساخت آنها از وندهایی استفاده می‌شود

که ویژه‌ی این زبان می‌باشند (ص ۱۶۸).

kunus-kələ بخششی از باغ که درختان از گیل دارد

rux←nə-dimə کنار جویبار

واژه های مرکب گیلکی در این نوشتار از دو منظر معنایی و ساختاری بررسی شده

است. این واژه ها به لحاظ معنی به سه دسته تقسیم می شوند. دسته ی اول واژه هایی را شامل

می شود که درون مرکز هستند. واژه ی درون مرکز یک هسته دارد که کل واژه ی مرکب معنا

شمول آن است، مثل؛ اسم مرکب $uz\ mə\ z$ ← (مغز گردو) (ص ۱۷۲).

گروه دوم واژه های مرکب برون مرکز هستند. در این نوع واژه هسته ی معنایی در

درون ترکیب وجود ندارد بلکه در خارج آن است مثل؛ صفت مرکب $\check{c}o\ x\ ←\ š$ (خیلی لاغر)

(ص ۱۷۳).

گروه سوم واژه‌های مرکب دوتایی است. در این نوع واژه بین اجزای سازنده رابطه هسته و وابسته وجود ندارد مثل kišmiš nuxud (نخودچی کشمش) (ص ۱۷۳).

واژه‌های مرکب به لحاظ ساختار به سه دسته‌ی اصلی اسم مرکب، فعل مرکب و صفت مرکب تقسیم می‌شوند. اسم مرکب در گیلکی ممکن است حاصل ترکیب اسم با اسم، صفت با اسم؛ اسم با ستاک فعل باشد. شرح هر یک از این ترکیب‌ها در جای خود آمده است (ص ۱۷۴).

فعل مرکب یکی از برایندهای مهم ترکیب در گیلکی است که از هم‌نشینی فعل ساده با اسم، صفت، قید و یا گروه حرف اضافه به دست می‌آید. فعل مرکبی که از ترکیب فعل ساده با صفت یا قید به دست می‌آید در گیلکی ویژگی بارزی دارد و آن این است که به هنگام ترکیب، به سازه‌ی غیر فعلی پیونده‌ی / ← / اضافه می‌شود.

پس کشیدن pəs-← kəšə-←n گرم کردن gərm-← kudən

نقش فعل مرکب در گیلکی بسیار کم رنگ است. معادل بسیاری از افعال مرکب فارسی در گیلکی افعال ساده و یا پیشوندی هستند (ص ۱۷۶).

و آخر آنکه صفت مرکب در گیلکی می‌تواند حاصل ترکیب دو جزء اسمی، اسم و صفت، اسم و ستاک فعل باشد و یا از هم‌نشینی صفت و اسم و یا حرف اضافه و اسم به دست آید. (ص ۱۷۷)

الف) اسم + اسم دیگ مخصوص پخت برنج pəl← ti-←n

ت) صفت + اسم برنج دم سیاه si-← dum

نحو

توصیف قواعد ناظر بر نظام واژه آرایی گیلکی آخرین مبحث این پژوهش است. این

توصیف در قالب

دو بخش کلی «ساختار جمله» و «جا به جایی سازه‌ها» ارایه می‌شود. بخش ساختار جمله با تعریف گروه های نحوی آغاز می‌شود. ابتدا ویژگی های نحوی هر گروه در نقش های مختلف بررسی می‌شود، سپس عناصر اختیاری گروه ها یعنی وابسته‌های پسین و پیشین به ترتیب نزدیکی به هسته یک به یک معرفی می‌شوند. از یافته های پژوهش در این بخش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) بدل افزوده ای است که همراه اسم می‌آید و توضیحی به مفهوم آن می‌افزاید. این مقوله در گیلکی برخلاف فارسی قبل از اسم واقع می‌شود و وابسته‌ی پیشین محسوب می‌شود. (ص ۱۸۶)

خاله [زهرا] آمد. $[z\leftarrow:r\leftarrow] x\leftarrow-l\leftarrow b\leftarrow\mu$.

ب) صفت در گیلکی با گروه اسمی نیز توصیف می‌شود. ترکیب گروه اسمی و صفت در این زبان به‌طور معمول مفهوم کنایه را می‌رساند (ص ۱۸۹).

شلوغ پلوغ $g\leftarrow-v\ d\acute{a}k\acute{a}f\acute{t}\acute{a}\ b\leftarrow-z\leftarrow-r$

پ) گروه حرف اضافه‌ای که وابسته‌ی پسین و پیشین ندارد. تنها وابسته‌ی مجاز در ترکیب این گروه، عنصر گروه اسمی است که در گیلکی بعد از حرف اضافه می‌آید. (ص ۱۹۱).

بالای میز $miz-e\ jor$

ت) در گیلکی، جمله‌ی وابسته (متمم فعلی) تنها سازه‌ی ای است که می‌تواند بعد از هسته‌ی فعلی قرار بگیرد. درج متمم نمای / ke / در آغاز جمله‌ی وابسته، اختیاری است (ص ۱۹۲).

آنها می‌دانند من معلم هستم. uš←n d←nəðə mən m←:leməm.

در بخش دوم یعنی جا به‌جایی سازه‌ها، سه فرایند زایای نحوی در گیلکی یعنی حذف، مبتدا سازی و سازه آمیزی بررسی می‌شود. یافته‌های پژوهش در این بخش به شرح زیر است:

الف) جمله‌ی امری منفی یا نهی در گیلکی به دو طریق زیر ساخته می‌شود:

۱- با استفاده از پیشوند / nv / .

این پیشوند به اول ستاک فعل افزوده می‌شود .

ukušid نکشید نکش nukuš → nv + kuš kuštən

در افعال پیشوندی به علت سنگین شدن هجا ، واکه‌ی پیشوند / nv / به اختیار حذف می‌شود .

درست نکن nən ← / ←nkun/ → č←-nu-kun

۲- با استفاده از تکواژ منفی ساز

تکواژ / nən← / به اول مصدر اضافه می‌شود . با اضافه شدن این تکواژ به اول

مصدر، نشانه‌ی مصدری تکیه بر می‌شود و به همین سبب از حالت بسته‌ی ən- به حالت باز

n←- تغییر می‌کند. هجای باز n←- نیز به نوبه‌ی خود موجب باز شدن نسبی واکه‌ی

شناسه‌ی فعلی id از حالت بسته‌ی / i / به حالت نیمه بسته‌ی / e / می‌شود .

kuštən nəv← + → nəv← kušt←n / nəv←
kuštən kušt←ned نکش/نکشید

به لحاظ معنایی تفاوتی بین دو گونه ی یادشده نیست . هر دو گونه برای القای مفهوم

نهی بکار می روند، با این تفاوت که / nəv← / تاکید بیشتر را می رساند. (ص ۱۹۹)

ب) در توصیف فرایند حذف تقسیم بندی تازه ای ارایه شده است که مبتنی بر جایگاه وقوع آن در

واحد‌های زبانی است. حذف بر این اساس به سه دسته ی آوایی، واژگانی و بندی

تقسیم می شود. (ص ۲۰۰)

۱- حذف در واحد آوا / هجا

mohsen → mo:sən محسن

حذف /h/ در واژه ی بالا نمونه ای از عملکرد فرایند حذف در آواست. این نوع حذف در گیلکی حرکتی اجباری است.

۲- حذف در واحد واژه / تکواژ

čutu buš←d ? چطور رفتند ؟

حذف ضمیر فاعلی «آنها» به دلیل وجود شناسه‌ی فعلی است که بیانگر حذف در واحد واژه است.

۳- حذف در واحد بند / جمله

uš←n bux←stəd ke tu biši. آنها خواستند که تو بروی.

bušəm! بروم!

در جمله‌ی دوم بند پایه (آنها خواستند) به قرینه حذف شده است. این نوع حذف در گیلکی اختیاری است و انگیزه‌ی کلامی دارد.

پ) داده‌های گردآوری شده نشان می‌دهد که فرایند مبتدا سازی در گیلکی ویژگی بارزی دارد و آن این است که در این زبان برخلاف فارسی در صورت عملکرد فرایند مبتدا ساز ضمیر گذار، از ضمیر مفعولی گسسته استفاده می‌شود (ص ۲۰۲).

علی رو، خواهرشو دیدم. ←m. ←bid ←xur ←une ←li←

ت) فرایند سازه آمیزی یا قلب نحوی در گیلکی حرکتی اختیاری است که انگیزه‌ی کلامی دارد. در این نوع فرایند سازه‌های تشکیل دهنده‌ی یک جمله با حفظ نشانه‌های دستوری خود جابه‌جا می‌شوند (ص ۲۰۳).

من این کتاب را برای تو آورده‌ام. (بی) tere ←b←kit ←n ←mən
b←vərd←mə. (نشان)

این کتاب را من آورده‌ام برای تو. (سازه) mən ←b←kit ←n ←mə (→)
tere. (←) (آمیز)

و سرانجام آنکه از قواعد ناظر بر جابه‌جایی سازه‌ها دانستیم که جابه‌جایی و آرایش مجدد سازه‌ها در زبان گیلکی تا آنجا که به جنبه‌ی ارتباطی جمله خللی وارد نسازد آزاد است.

فهرست منابع

در نگارش این رساله افزون بر داده‌هایی که طی دو سال از منطقه‌ی مورد پژوهش گردآوری شده است، از منابع کتابخانه‌ای نیز بهره‌ی فراوان برده‌ایم. بی تردید معرفی منابع در بخش انتهایی نوشتار ضروری می‌نماید، اما با توجه به گستردگی این منابع تنها به ذکر بخشی از آنها بسنده می‌شود.

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۴۸) *درباره ی زبان آسی*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- (۱۳۵۰) *زبان گیلکی*. مجله ی سخن، دوره ۲۱، شماره ۶.
- ارانسکی، ی.م. (۱۳۵۸) *مقدمه فقه اللغه ایرانی*. ترجمه ی کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام.
- اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۷۴) *کتاب گیلان*. تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- بارتولد، و. (۱۳۵۸) *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*. ترجمه ی حمزه سردادور. تهران: نشر توس.
- بازن، مارسل (۱۳۶۷) *تالش منطقه قومی در شمال ایران*. ترجمه ی مظفر امین فرشچیان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- باقری، مهری (۱۳۸۰) *واج شناسی تاریخی زبان فارسی*. تهران: نشر قطره.
- پاینده، محمود (۱۳۵۵) *آیین ها و باورهای گیل و دیلم*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- (۱۳۶۶) *فرهنگ گیل و دیلم*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پرجمی، محب الله (۱۳۷۵) *هزار ترانه گیل*. تهران: موسسه فرهنگی عابدزاده.
- پلوتارخ (۱۳۳۹) *تاریخ پلوتارخ*. ترجمه ی احمد کسروی. چاپ دوم. تهران: کانون آزادگان.
- پورریاحی، مسعود (۱۳۵۱) *بررسی گویش گیلکی رشت*. رساله ی دکتری زبان شناسی همگانی. دانشگاه تهران.
- پیرنیا، حسن (۱۳۷۰) *ایران باستان*. چاپ دوم. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- ثمره، ید الله (۱۳۶۴) *آواشناسی زبان فارسی*. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- جعفری، نصرالله (۱۳۸۰) *زمان و نمود در عبارت فعل گویش گیلکی رودسری*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- جکتاجی، م. پ. (۱۳۷۴ - ۱۳۶۹) *گیلان نامه*. مجموعه مقالات *ایران شناسی*. رشت: انتشارات طاعتی.
- جمشیدی، معصومه (۱۳۷۳) *توصیف نظام آوایی گیلکی رشت*. پایان نامه ی کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- جهانگیری، نادر (۲۰۰۳) *گویش گیلکی لاهیجان*. توکیو: انتشارات مرکز بررسی های فرهنگ

اسلامی و مطالعات ایرانی.

- حقیقی، مصطفی (۱۳۷۱) بررسی گروه اسم و گروه فعل گویش گیلکی صومعه سرا. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- حمیدی، ناصر (۱۳۷۴) بررسی ساخت واژه در گویش مازندرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- خانلری، پرویز ناتل (۱۳۴۹) تاریخ زبان فارسی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- (۱۳۶۶) زبان شناسی و زبان فارسی. تهران: انتشارات توس.
- خوچکو، آ. (۱۳۵۴) سرزمین گیلان، ترجمه‌ی سیروس سهامی. تهران: انتشارات پیام.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۴) مجهول در زبان فارسی. مجله‌ی زبان‌شناسی. سال ۲، شماره‌ی ۱.
- (۱۳۶۷) ساخت‌های سببی در زبان فارسی، مجله‌ی زبان‌شناسی. سال ۵، شماره‌ی ۱.
- (۱۳۶۹) پیرامون «را» در زبان فارسی. مجله‌ی زبان‌شناسی. سال ۷، شماره‌ی ۱.
- دلاور، علی (۱۳۵۴) روش‌های آماری در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات پیام نور.
- دیاکونف، ا. (۱۳۷۹) تاریخ ماد. ترجمه‌ی کریم کشاورز. چ دوم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رایینو، ه. ل. (۱۳۵۰) تاریخ گیلان. ترجمه‌ی جعفر خمami زاده. رشت: انتشارات طاعتی.
- (۱۳۶۹) فرمانروایان گیلان. ترجمه‌ی جکتاجی و مدنی. رشت: نشر گیلکان.
- راستارگویا، و. س. (۱۳۷۹) تحقیقات تاریخی - رده‌شناختی زبان‌های ایرانی. به کوشش کریم نیا. دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد علوم و تحقیقات.
- رسولی موسوی، مهناز (۱۳۷۷) توصیف ترکیبات اضافه و وصفی در گویش گیلکی لاهیجان. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- رضازاده لنگرودی، رضا (۱۳۶۳) یادگار نامه فخرایی. تهران: نشر نو.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸) تاریخ مردم ایران پیش از اسلام. تهران: انتشارات سخن.
- سامارین، ویلیام (۱۳۶۴) زبان‌شناسی عملی. راهنمای بررسی گویش‌ها. ترجمه‌ی لطیف عطاری.

تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

سرتیپ پور، جهانگیر (۱۳۶۴) ویژگی‌های دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلگی. رشت: نشر گیلکان.

----- (۱۳۷۲) ریشه یابی واژه های گیلگی. رشت: نشر گیلکان.

سرمست، داود (۱۳۷۱) گوش گیلگی حسن کیاده. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. پژوهشگاه علوم انسانی.

سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۸) سرزمین و مردم ایران. تهران: انتشارات علم و زندگی.

شرفشاه دولایی (۱۳۵۸) دیوان اشعار. به کوشش محمد علی صوتی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

شکری، گیتی (۱۳۷۴) گوش ساری. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

صادقی، علی اشرف (۱۳۵۷) دستور فارسی. تهران: سازمان کتاب‌های درسی.

----- (۱۳۷۰-۷۲) شیوه های امکانات واژه سازی در زبان فارسی. تهران: نشر دانش، سال یازدهم تا سیزدهم.

طاهری، عباس (۱۳۷۰) دستور زبان تاتی تاکستان. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه علامه طباطبایی.

عبدلی، علی (۱۳۷۸) تاریخ کادوس‌ها. تهران: انتشارات فکر روز.

فخرایی، ابراهیم (۱۳۷۷) گزیده ادبیات گیلگی. چاپ دوم. رشت: انتشارات طاعتی.

کریستن سن، آرتور (۱۳۷۴) گوش گیلگی رشت. ترجمه‌ی خمایی زاده. تهران: انتشارات سروش.

کریم نیا، نوید (۱۳۷۸) بررسی و معرفی برخی از آثار زبان‌شناسان روسی درباره‌ی زبان‌های ایرانی.

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه آزاد تهران. واحد علوم و تحقیقات.

کنت، رولاند، ج. (۱۳۷۹) فارسی باستان، ترجمه‌ی سعید عریان. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

- کلباسی، ایران (۱۳۷۱) تنوع لهجه‌ها در گویش گیلکی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- (۱۳۷۶) گویش کلاردشت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کشاوری، کریم (۱۳۵۰) برخی ویژگی‌های صرف و نحو گیلکی. مجموعه خطابه‌های نخستین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی به کوشش مظفر بختیار. دانشگاه تهران.
- گلشنی، عبدالکریم (۱۳۵۴) گیلکی. چهارمین کنگره‌ی تحقیقات ایرانی. شیراز: دانشگاه شیراز.
- (۱۳۶۰) دستور زبان گیلکی. نشریه‌ی دامون. سال دوم. فروردین، خرداد و تیر.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸) دستور زبان فارسی. ترجمه‌ی مهدی سماعی. تهران: نشر مرکز.
- مدنی، رضا (۱۳۶۹) کتاب‌شناسی و بررسی واژه‌ها و نوشته‌های گیلکی، دیلمی و تالشی. صفحه ۳۹۵-۳۳۷ گیلان‌نامه، دفتر دوم، زیر نظر جکتاجی. رشت: انتشارات طاعتی.
- مرعشی، سید ظهیرالدین (۱۳۴۷) تاریخ گیلان و دیلمستان. ویرایش منوچهر ستوده. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- مرعشی، احمد (۱۳۶۳) واژه‌نامه‌ی گویش گیلکی. رشت: انتشارات طاعتی.
- مشکوة الدینی، مهدی (۱۳۷۰) ساخت آوایی زبان. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- مقربی، مصطفی (۱۳۷۲) ترکیب در زبان فارسی. تهران: انتشارات توس.
- ملگنوف، گ. (۱۳۶۴) سفرنامه‌ی ملگنوف. ترجمه‌ی مسعود گلزاری. تهران: انتشارات دادجو.
- میرابولقاسمی، محمد تقی (۱۳۶۹) گیلان از آغاز تا مشروطیت. تهران: نشر هدایت.
- ولایی، مجید (۱۳۷۵) بررسی اجزای کلام در گویش مازندرانی شرقی، لهجه‌ی آملی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- همایون فرخ، عبدالرحیم (۱۳۳۷) دستور جامع زبان فارسی. به کوشش رکن الدین همایون فرخ. تهران: انتشارات علمی.
- یارشاطر، احسان (۱۳۳۶) زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی. تهران: مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران.
- سال پنجم، شماره‌ی ۱ و ۲.

- Brown, G and Yule, G. (1989) *Discourse Analysis*. Cambridge: CUP
- Chambers, JK. (1994) *Dialectology*. London: Cambridge UP
- Croft, W. (1990) *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge UP
- Comrie & Smith (1977) Questionnaire for descriptive studies. *Lingua* 1-24 .
- Comrie, B. (1989) *Language Universals and linguistic Typology*. 2nd ed. Oxford: Blackwell
- Halliday, M.A.K. (1985) *An Introduction to Functional Grammar*. London:
Edward Arnold
- Katamba, Francis (1993) *Morphology*. Houndmills: Macmillan
- Kenstowich, M. (1994) *Phonology in Generative Grammar* . Blackwell. AP
- Louis H. Gray (1965) *Middle and New Indo Iranian languages*. New York: AMS Press INC.
- Mathews, P.H.(1991) *Morphology*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge UP
- Palmer, F.R. (1994) *Grammatical Roles and Relations*. Cambridge: CUP
- Radford, A, (1981) *Transformational Syntax*. Cambridge; Cambridge UP
- Spencer, A. (1991) *Morphological Theory*. Oxford: Basil Blackwell.
- Stilo, Donald (2001) *Gilan -Languages*. *Iranica*. Pages 660 to 668
www.bethany.com
www.calebproject.org/gilaki
www.eva.mpg.de/lingua
www.iranianlanguages.com
www.linguistics.ucl.ac.uk/research
www.sheevan.com
www.wikipedia.org/wiki/caspian_wikipedia